آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران

انقلاب که به معنی دگرگونی شدید و ناگهانی است و باعث تحولات وسیع در جوامع بشری می‌شود به دو نوع سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌گردد. انقلاب سیاسی معمولاً با تغییر حکومت و جابه‌جایی افراد در راس قدرت همراه است، بدون این که تغییری اساسی در ساختار اجتماعی و فرهنگ جامعه به‌وجود آید. در صورتی که انقلاب اجتماعی علاوه بر دگرگونی اساسی در حکومت، تغییرات ریشه‌ای در ساختارهای اجتماعی، فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر کشور ایجاد می‌کند. در انقلاب اجتماعی نقش طبقات پایین جامعه، به‌ویژه توده مردم، بیش از انقلاب سیاسی است و به همین دلیل، تغییرات اساسی و ساختاری در این نوع انقلاب بیشتر به چشم می‌خورد. شاید به دلیل همین تحولات اساسی باشد که انقلاب اجتماعی را انقلاب کبیر و یا انقلاب بزرگ نیز می‌نامند.

انقلاب اسلامی ایران با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در سطح حاکمیت، فرهنگ، سیاست و اقتصاد ایران ایجاد نمود، یک انقلاب اجتماعی نامیده می‌شود که تاثیرات آن نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح منطقه و حتی کل جهان قابل رؤیت است. این انقلاب مثل سایر انقلاب‌ها دارای عللی است که به آن‌ها علل کلی گفته می‌شود، در حالی که برخی ویژگی‌های متفاوت با دیگر انقلاب‌ها دارد که می‌توان آن‌ها را علل ویژه انقلاب اسلامی ایران نامید.

علل و ویژگی‌های کلی که معمولاً در همه انقلاب‌ها دیده می‌شود، دارای عناوین مختلفی است که در این مقال به‌طور بسیار مختصر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱ـ نارضایتی عمیق از وضع موجود

نارضایتی از عملکرد حاکمیت در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به مرور زمان در جامعه ایجاد می‌شود و با گذر ایام گسترش می‌یابد. این شرایط که به دلیل حاکمیت استبداد، فساد، تبعیض و بی‌توجهی به آرمان‌ها و ارزش‌های مردمی به‌وجود می‌آید از طریق روشنفکران، طبقات تحصیلکرده و فرهیخته به بدنه جامعه منتقل می‌شود و زمینه را برای یک حرکت بزرگ اجتماعی فراهم می‌سازد. در چنین شرایطی، حاکمیت که هنوز قدرت مانور و اصلاح خود را دارد، اگر تغییری در نحوه حکومت و در جهت خواست مردم ایجاد کند، احتمال به تعویق افتادن انقلاب و حتی از بین رفتن آن وجود دارد، در غیر این صورت و با آماده شدن علل دیگر، انقلاب به پیش می‌رود.

۲ـ رهبری و ساختارهای اجتماعی ـ سیاسی بسیج‌گر

انقلاب بدون رهبری شکل نمی‌گیرد و هدایت آن عملی نمی‌شود. رهبری انقلاب می‌تواند شامل فرد، گروه و یا حزبی باشد که در جریان انقلاب توسط مردم انتخاب می‌گردد. هر اندازه این انتخاب دقیق‌تر انجام گیرد، روند انقلاب بهتر و سریع‌تر پیش خواهد رفت. رهبری با استفاده از نهادهای اجتماعی و سیاسی ایدئولوژی انقلاب را به میان مردم برده و با جذب و بسیج آنان بدنه اصلی انقلاب را شکل می‌دهد. علاوه بر این، رهبری با تدوین استراتژی و تاکتیک‌های مبارزه، انقلاب را هدایت می‌کند و با گسترش روحیه انقلابی در میان جامعه و مردم زمینه را برای انجام یک حرکت بزرگ و اساسی آماده می‌نماید.

۳ـ ایدئولوژی و اندیشه انقلاب

وقوع هر انقلاب همیشه همراه با اندیشه و فکر جدید است. این اندیشه در ابتدا با نفی تفکر حاکم آغاز می‌شود و به مرور زمان ذهن انقلابیون را تسخیر می‌کند و با افزوده شدن جنبه‌های فکری گوناگون، به‌ویژه با توجه به شرایط موجود در هر جامعه، تکمیل می‌گردد و در نهایت، توسط رهبری جنبش به عنوان اندیشه و ایدئولوژی انقلاب انتخاب می‌شود. پس از این مرحله، اندیشه انقلابی به‌عنوان جان‌مایه انقلاب، مردم و رهبران را تغذیه می‌کند و جنبش را در مراحل گوناگون به پیش می‌برد. اندیشه انقلاب می‌تواند دارای جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و یا ترکیبی از این موارد باشد.

۴ـ گسترش روحیه انقلابی در بین مردم

مردم به‌عنوان سرمایه اصلی در انقلاب نقش اساسی ایفا می‌کنند. این نقش به گونه‌ای است که در صورت نبود، رهبران توان پیشبرد و به پیروزی رساندن انقلاب را ندارند. با پیوستن مردم به انقلاب و افزایش روحیه انقلابی آنان، مشکلات پیش رو و اقدامات سرکوبگرانه رژیم و حتی مانورهای رفرمیستی تاثیری نداشته و انقلاب به پیش می‌رود. اهمیت این مورد به خاطر آن است که در چنین مرحله‌ای، رژیم‌ها تغییر تاکتیک داده و با انجام مانورهایی سعی در جدا نمودن مردم از رهبران انقلاب دارند،

زیرا به‌خوبی می‌دانند در صورت موفقیت در این کار رهبران انقلاب منزوی شده و کاری از دست آنان ساخته نیست. وجود و گسترش روحیه انقلابی و آگاهی لازم در میان مردم این تمهید رژیم‌ها را خنثی می‌سازد و انقلاب تا دستیابی به پیروزی به پیش می‌رود.

۵ـ اقدامات خشونت‌بار

معمولاً در هر انقلابی و در مراحلی خاص از انقلاب، اقدامات خشونت‌بار سازمان‌یافته و یا غیر تشکیلاتی آغاز می‌شود که از گوناگونی فراوان برخوردار است. این اقدامات می‌تواند از شکستن شیشه‌های سازمان‌های وابسته به رژیم آغاز و تا درگیری با پلیس و در نهایت، به مبارزه مسلحانه و ترور سران رژیم منجر شود. انجام این نوع از مبارزه و نحوه اداره آن ارتباط مستقیم با ایدئولوژی انقلاب دارد.

در انقلاب اسلامی ایران چهار ویژگی از خصوصیات پنجگانه انقلاب‌ها به‌طور برجسته وجود دارد، در حالی‌که ویژگی پنجم که اقدامات خشونت‌بار است جایگاه والایی ندارد. در این انقلاب نارضایتی عمیق مردم از رژیم سلطنتی به‌طور بسیار گسترده وجود داشت و شرایط به گونه‌ای بود که تقریباً اکثر قریب به اتفاق افراد جامعه را پوشش می‌داد.

رهبری امام خمینی و اعتماد خاص مردم به ایشان که ناشی از مرجعیت و رهبری دینی نیز بود، جایگاه خاصی به این نهاد در انقلاب اسلامی داده بود. این جایگاه در شعارهای دوران انقلاب هم‌چون نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است و یا تا خون در رگ ما است، خمینی رهبر ما است، به‌خوبی دیده می‌شود.

اندیشه انقلاب اسلامی که برگرفته از فرهنگ غنی و پربار شیعه و ویژگی‌های عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه آن است و از حوادثی مثل تاسوعا و عاشورای حسینی ریشه می‌گیرد و در جان و روح ملت ایران نفوذ دارد به راحتی ایدئولوژی شاهنشاهی را به کنار می‌زند و جایگزین آن می‌گردد و دیری نمی‌پاید که فرهنگ خون بر شمشیر پیروز است، فرهنگ حاکم بر کشور می‌شود.

آگاهی و روحیه انقلابی مردم که ناشی از رهبری امام خمینی و اندیشه اسلامی انقلاب بود باعث گردید تا اقدامات رفرمیستی شاه مثل تغییر نخست‌وزیران، تغییر تاریخ شاهنشاهی به هجری شمسی و یا آزادی زندانیان سیاسی از یک طرف و اقدامات سرکوبگرانه مثل حکومت نظامی از جانب دیگر تاثیری بر مردم نداشته و آنان بی‌توجه به این اقدامات راه خود را تا پیروزی نهایی ادامه دهند.

ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران که آن را به‌طور کامل از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد، عدم به‌کارگیری روش‌های خشونت‌آمیز و درگیری‌های مسلحانه، کشتار و خونریزی بود. این روش‌ها که به‌طور طبیعی در سایر انقلاب‌ها دیده می‌شود با استراتژی انقلاب اسلامی که گل در مقابل گلوله بود، هم‌خوانی نداشت و به‌طور کامل نفی گردید. استراتژی گل در مقابل گلوله که شعار برادر ارتشی چرا برادرکشی، از آن بیرون آمد تمام دستگاه قدرتی و نظامی شاه را به هم ریخت و

عامل جذب کامل نیروهای مسلح رژیم به انقلاب گردید. در چنین شرایطی اصولاً نیازی به کاربرد اقدامات خشونت‌آمیز وجود نداشت، زیرا رژیم در مقابل استراتژی انقلاب فروریخته بود.

آرمان‌های انقلاب اسلامی که توسط مردم و رهبران سیاسی دنبال می‌شد، به‌صورت کلی در جریان نهضت و پس از پیروزی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت شفاف و جزیی مطرح گردید. این آرمان‌ها دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که در عناوین کلی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و معنویت قابل تعریف است. جزییات این عناوین در قانون اساسی درج گردیده که بخش بسیار مختصری از آن به شرح زیر است:

- آزادی نشریات، مطبوعات، اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها و تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حد قانون
- امنیت داخلی و نفی تفتیش عقاید، سانسور و تجسس مگر به حکم قانون
- نفی هر گونه ستم‌گری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری
- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب
- محو هر گونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی
- اتکا به آرای عمومی در اداره کشور و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش
- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا
- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی
- تامین حقوق همه‌جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم و تساوی همه در برابر قانون
- توسعه اقتصادی و رفع فقر و محرومیت
- تنظیم برنامه اقتصادی به گونه‌ای که افراد فرصت خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در اداره کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشند.
- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور

همان‌گونه که اشاره گردید، عناوین فوق برخی از آرمان‌های انقلاب می‌باشند که در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و مشروح آن به‌طور کامل در همین قانون آمده است.

اکنون برای تکمیل بحث و پس از پرداختن به علل، ویژگی‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران ضروری است به آسیب‌شناسی این انقلاب نیز توجه شود تا دستاورد بزرگ ملت ایران از هر گونه گزندی محفوظ بماند.

واژه آسیب‌شناسی (Pathology) از علوم پزشکی وارد علوم اجتماعی شده و به معنای مبحث مطالعه علل بیماری، عوارض و علایم غیرعادی است. در اینجا منظور از آسیب‌شناسی انقلاب، بررسی موانع داخلی و خارجی رویاروی انقلاب اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. به‌عبارت دیگر، از آنجا که انقلاب اسلامی ایران دارای آرمان‌ها و اهداف گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد، در صورتی که عاملی باعث جلوگیری از رسیدن به

این اهداف و آرمان‌ها شود آسیبی به آن وارد کرده که باید شناسایی و درمان شود. این آسیب‌ها می‌تواند داخلی و خارجی باشد که آسیب داخلی را شهید مطهری آفت انقلاب می‌نامد و بحث مهم آفات انقلاب را مطرح می‌سازد. آسیب‌های خارجی را بیشتر به عنوان موانع انقلاب به کار می‌برند.

آسیب سیاسی آسیبی است که اهداف سیاسی انقلاب اسلامی را خدشه‌دار می‌کند. این آسیب باعث ضربه زدن به استقلال، آزادی مردم، احزاب و مطبوعات می‌شود و سانسور و تفتیش عقاید به‌وجود می‌آورد. آسیب سیاسی باعث بی‌ارزش شدن آرای مردم و کاهش مشارکت در تعیین سرنوشت کشور می‌گردد و در نهایت، به استبداد و خودکامگی منجر می‌شود.

آسیب فرهنگی به معنای ایجاد فساد و تبعیض، گسست بین نسل‌ها و از بین رفتن فضایل اخلاقی و بیرنگ شدن ایمان و تقوی می‌باشد که نتیجه آن زندگی تجملی و جاه‌طلبی است.

آسیب اقتصادی شامل امتیاز خواهی، اختلاف طبقاتی، ضایع شدن حقوق محرومان، اسراف، رانت‌خواری، عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی و در نهایت، عدم وجود عدالت اقتصادی و اجتماعی است.

رخنه فرصت‌طلبان در حاکمیت از آسیب‌های بزرگی است که انقلاب اسلامی را به‌گونه‌ای اساسی تهدید می‌کند، زیرا این گروه به آرمان انقلاب بی‌اعتقاد و منافع شخصی و خانوادگی خود را دنبال می‌کنند. گروه دیگر فرصت‌طلبان کسانی هستند که در ابتدا به اهداف و آرمان‌های انقلاب معتقد بودند ولی به مرور زمان و به‌ویژه بعد از پیروزی، تغییراتی در آن‌ها ایجاد می‌شود که دیگر پایبندی به آرمان‌ها را ضروری نمی‌دانند.

مجموعه آسیب‌های مذکور در نهایت عامل پدیده‌ای به نام رجعت است که اوضاع را به قبل از انقلاب باز می‌گرداند. در چنین شرایطی، رجعت ممکن است قالبی و یا محتوایی باشد که در صورت اول حاکمیت انقلاب ساقط و در صورت دوم اندیشه‌های انقلاب به کنار می‌رود و فرهنگ گذشته حاکم می‌شود.

شناخت دقیق آسیب‌ها و درمان آن‌ها و مهم‌تر از آن شناسایی آسیب‌زننده‌ها در هر موقعیت و برخورد اصولی با آنان از مهم‌ترین وظایف مسئولان و افرادی است که با تمام وجود به اندیشه‌های امام خمینی (ره) و ایدئولوژی انقلاب اسلامی پایبند هستند. این روش باید به‌طور دایم ادامه یابد تا آسیب‌های موجود به‌طور کامل و ریشه‌ای درمان گردد.

دکتر سید محمد صدر